

برجام در چه مرحله‌ای است؟

در شرایط فعلی، دولت بایدن عملاً بسیاری از چهره‌ها شناخته شدن دولت باراک اوباما را در عرصه سیاست خارجی آمریکا، بار دیگر وارد میدان کرده است. رابرت مالی، وندی شرم، و سوزان رایس، معروف‌ترین چهره‌ها در این زمینه هستند.

به گزارش سایت خبری پرسون، پایگاه خبری "آمریکن کانسرویتیو" در گزارشی به تحولات مرتبط با توافق برجام پرداخته و سعی کرده به این سوال پاسخ دهد که در شرایط کنونی، اساساً این توافق در چه نقطه‌ای قرار دارد؟ این پایگاه خبری تأکید دارد که برجام در شرایط کنونی که آمریکا، خود با سیلی از چالش‌های داخلی و بین‌المللی همراه است، از این ظرفیت برخوردار است تا چالشی جدید را برای این کشور ایجاد کند. از سویی، حصول دستاورد در چهارچوب توافق برجام در کوتاه مدت نیز چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. در این میان، آمریکن کانسرویتیو پیش‌بینی می‌کند که توافق برجام بار دیگر برای مدتی محل راینزنی‌های گسترده طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای قرار خواهد گرفت و البته چشم انداز آتی آن نیز چندان روشن نیست.

آمریکن کانسرویتیو در این رابطه می‌نویسد: «بار دیگر مساله توافق برجام و فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به موضوعی برجسته در عرصه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. توافقی که در اواخر دوران ریاست جمهوری "باراک اوباما" منعقد شد و ترامپ با بی‌اعتنایی به این توافق، آمریکا را از آن خارج کرد. در شرایط کنونی (در دوره بایدن) جدای از مذاکرات مستقیم در وین، سیلی از راینزنی‌های غیرمستقیم میان طرف‌های مختلف در واشنگتن، تل‌آویو، تهران و همچنین دیگر پایتخت‌های مرتبط با این مساله در جریان خواهد بود.

در این چهارچوب اخیراً "رابرت مالی" نماینده ویژه دولت آمریکا در مساله ایران نیز در موضع‌گیری گفته است که در جریان سفرهای خود به امارات، اسرائیل، عربستان و بحرین (در فاصله روزهای ۱۱ تا ۲۰ نوامبر)، تا حد زیادی به بحث و راینزنی با مقام‌های کشورهای ذکر شده در مورد مساله برجام و تلاش‌ها جهت احیای توافق مذکور خواهد پرداخت (در این میان نخست وزیر اسرائیل "نفتالی بنت"، به نشانه اعتراض به رویکرد بایدن در مساله برجام، از ملاقات با رابرت مالی خودداری کرده است).

در این میان برخی ناظران و تحلیلگران بر این باورند که توافق برجام می‌تواند شاهد روزهای روشن‌تری باشد. در این رابطه به طور خاص گفته می‌شود: احیا و نجات برجام، نیازمند اراده سیاسی قوی‌تر، انعطاف‌پذیری بیشتر، و نشان دادن خلاقیت از سوی تمامی طرف‌ها است. در شرایط کنونی، طرف آمریکایی تا حد زیادی قانع شده که تهران دیگر علاقه‌مند به احیای توافق برجام نیست. ایران موضع خود را در جریان مذاکرات هسته‌ای بالا می‌بیند و معتقد است توانسته به خوبی فشارهای دونالد ترامپ را تحمل کند و در مقابل فشارهای بایدن نیز ابزارهای متنوعی را در اختیار دارد.

در شرایط کنونی، دولت جدید ایران تا حد زیادی بر این باور است که باید با رویکردی سخت‌گیرانه وارد مذاکرات هسته‌ای شد. این دولت به طور خاص معتقد به دستاوردهای عملی از مذاکرات است و تأکید دارد که عمگرایی، چراغ راه آن در تعامل با قدرت‌های غربی در چهارچوب معادله برجام است. ایران در شرایط فعلی به لغو تحریم‌ها علیه خود نیاز دارد با این حال، برای تهران روشن نیست که آیا بازگشت آمریکا به توافق برجام، زمینه را برای لغو دائم، عملی و واقعی تحریم‌ها علیه ایران فراهم خواهد کرد یا نه. در واقع، ایران به خوبی می‌داند که سرمایه‌گذاری‌های خارجی به ایران، در صورتی که شرکت‌های غربی باور داشته باشند که سال ۲۰۲۴ میلادی یک رئیس‌جمهور جمهوریخواه در آمریکا به قدرت خواهد رسید، راه نخواهند یافت.

در شرایط فعلی، دولت جو بایدن عملاً بسیاری از چهره‌ها شناخته شدن دولت باراک اوباما را در عرصه سیاست خارجی آمریکا، بار دیگر وارد میدان کرده است. رابرت مالی، وندی شرم، و سوزان رایس، معروف‌ترین چهره‌ها در این زمینه هستند. البته که این موضوع خبر چندان خوشایندی برای مخالفان جدی ایران و توافق برجام نیست. در این چهارچوب، منتقدان آمریکایی دولت بایدن می‌گویند: "در شرایط کنونی، آمریکا با سطح بالای جرم و جنایت در داخل رو به رو است، اخیراً تورم در آمریکا افزایش یافته و چین و روسیه نیز در محور شرق جهان تحرکات گسترده‌ای را علیه واشنگتن دارند، با این حال در این میان یک بحران گریح‌کننده و عمیقاً خطرناک با دوستان، واقعا برای آمریکا مضر خواهد بود. در این چهارچوب، ایران به عنوان کشوری مخالف با آمریکا نیز، توانسته جایگاه قابل توجهی در جهان پیدا کند و عملاً در جبهه خود، بازیگران مختلفی را نیز بسیج کرده است. مساله‌ای که در شرایط فعلی به هیچ عنوان در راستای منافع آمریکا نیست.

در شرایط کنونی، برجام با چند چشم‌انداز خاص از سوی آمریکا رو به رو است. اولاً امکان دارد تا بار دیگر در جریان انتخابات کنگره و ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، افرادی نظیر جان بولتون، مایک پمپئو، مایک پنس و حتی خود دونالد ترامپ قدرت بگیرند که این مساله اساساً موجب می‌شود تا دستورکار "تغییر نظام سیاسی در ایران/Regime Change" با قدرت و جدیت در چهارچوب ساختار سیاسی آمریکا مطرح شود.

از سوی دیگر، امکان دارد نوعی جریان مخالفت عملگراییانه با ایران نیز در آمریکا از سوی سیاستمداران این کشور اتخاذ شود که این رویکرد نیز خود از دو سرچشمه اصلی تغذیه می‌شود: اولاً اسرائیل و نفوذ آن بر دستورکارهای دولت آمریکا در رابطه ایران و دوم، مساله چین که در شرایط کنونی توجه اصلی دولت بایدن به آن معطوف است و واشنگتن شدیداً نسبت به نفوذ بین‌المللی آن حساس است. در این شرایط، آینده توافق برجام را چندان نمی‌توان روشن تصور کرد. بار دیگر این توافق با سیلی از راینزنی‌ها در وین، واشنگتن، تل‌آویو، تهران و پایتخت‌های عربی رو به رو خواهد شد. مساله‌ای که مخصوصاً وقتی با مواضع مختلف و بعضاً متضاد ایران و آمریکا همراه شود، عملاً چشم‌انداز آتی برجام را نیز بیش از پیش مبهم می‌سازد.

